

تأثیر تغییر اجباری و داوطلبانه حسابرس مستقل بر نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱۰

رضیه علی خانی^۱

مهدی مران جوری^۲

جهانگیر رضوانی^۳

چکیده:

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تغییر اجباری و داوطلبانه حسابرس مستقل بر نقدشوندگی سهام است. این پژوهش از نوع مطالعه کتابخانه‌ای و علی-همبستگی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) است. در این پژوهش اطلاعات مالی ۱۲۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ بررسی شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Eviews 7 استفاده شده است. نتایج پژوهش در ارتباط با فرضیه اول نشان داد بین تغییر حسابرس و نقدشوندگی سهام رابطه معنادار و منفی وجود دارد. همچنین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه دوم پژوهش به این نتیجه رسیدیم که بین نوع تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

کلمات کلیدی: تغییر اجباری حسابرس، تغییر داوطلبانه حسابرس، نقدشوندگی سهام.

۱- استادیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)
Alikhani_r2@yahoo.com

۲- استادیار گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

۳- کارشناس ارشد حسابداری

۱- مقدمه

نظرات و پیشنهادات مجامع حرفه‌ای و نیز ناظران حرفه حسابداری و حسابرسی در مورد تغییر حسابرس، جایگاهی ویژه در مباحث مرتبط با استقلال حسابرس و نیز کیفیت حسابرسی در چند سال اخیر به خود اختصاص داده است (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۵). به خصوص با خصوصی شدن حرفه حسابرسی و گسترش مؤسسات خصوصی حسابرسی، تغییر حسابرس و به دنبال آن، تغییر اظهار نظرهای حسابرسی به پدیده‌ای مرسوم تبدیل شده است. این موضوع می‌تواند قدرت حرفه‌ای و استقلال حسابرسی را تحت الشعاع قرار داده و پیامدهای نامطلوبی را به همراه داشته باشد. بنابراین، تغییر حسابرس و در نتیجه تعدیل گزارش حسابرسی بر عملکرد حرفه حسابرسی و اعتبار آن اثرگذار است (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۲). حامیان تغییر اجباری حسابرس بر این عقیده هستند که حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار صاحب‌کار، به دلیل وابستگی‌های اقتصادی انگیزه بیشتری برای حفظ صاحب‌کار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این امر استقلال آن‌ها را مخدوش می‌کند. به اعتقاد آن‌ها دوره تصدی طولانی مدت باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی می‌شود تا حدی که احساس وظیفه‌شناسی یا وفاداری در حسابرس ایجاد می‌کند و بدین ترتیب استقلال آن‌ها را به خطر می‌اندازد. مخالفان تغییر اجباری، شاید این دیدگاه را تأیید کنند اما آن‌ها اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. از طرفی، آن‌ها استدلال می‌کنند عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آن‌ها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می‌کند (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۹). محدود کردن دوره تصدی حسابرس شامل دو مقوله مجزا می‌باشد که تغییر در سطح کادر حسابرسی به خصوص در رده شرکا، مدیران و دیگری تغییر در سطح مؤسسه حسابرسی است. کشورهای نظیر ایالات متحده و انگلستان تنها به چرخش شرکای حسابرسی اکتفا کرده‌اند و کشورهای نظیر برزیل، کره، هند و سنگاپور شرکت‌ها را ملزم به تغییر مؤسسات حسابرسی بعد از طی دوره مشخص نموده‌اند. در این بین، کشورهای نظیر اتریش، اسپانیا و کانادا نیز بعد از شکست در اجرای قانون تغییر اجباری مؤسسات حسابرسی، آن را بعد از مدتی کنار گذاشتند (رحیمیان و جان فدا، ۱۳۹۳). در ایران نیز بنا بر تصویب دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار (ماده ۱۰ تبصره ۲) توسط شورای عالی بورس در تاریخ ۸/۰۵/۸۶ مبنی بر اینکه مؤسسات حسابرسی و شرکای حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی (تعریف شده در ماده ۳۰ دستورالعمل فوق الذکر)، بعد از گذشت ۴ سال مجاز نیستند مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند و حتی در صورت خروج شرکا از مؤسسه قبلی، شریک مسئول کار در دوره ۴ سال قبلی، نمی‌تواند با حضور به عنوان شریک در مؤسسه حسابرسی دیگر سمت مزبور را قبول کند.

۲- بیان مسأله

در هر بازار مالی، با توجه به گستردگی و عمق بازار، ابزار متنوعی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد؛ و سرمایه‌گذاران دارایی‌های مورد نظر خود را با توجه به بازده و ریسک سرمایه‌گذاری بر می‌گزینند.

یکی از موضوعات اساسی در سرمایه‌گذاری، میزان نقدشوندگی دارایی‌هاست (حیدری، ۱۳۹۳). قابلیت نقدشوندگی یک ورقه سهام به معنای امکان فروش سریع آن است. هر چقدر سهمی را بتوان سریع‌تر و با هزینه کمتری به فروش رساند، می‌توان گفت که آن سهم از نقدشوندگی بیشتری برخوردار است. اوراق بهاداری که به‌طور روزانه و به دفعات مکرر معامله می‌شوند، نسبت به اوراق بهاداری که به دفعات محدود معامله می‌شوند، قابلیت نقدشوندگی بیشتر و در نهایت ریسک کمتری دارند (روبین^۱، ۲۰۰۷). نقدشوندگی در بازارهای ثانویه، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت عرضه‌های عمومی دارد و موجب کاهش هزینه و ریسک پذیره‌نویسان و بازارگردان‌ها می‌شود. همچنین هزینه سرمایه‌گذاران از طریق کاهش دامنه نوسان و هزینه‌های معاملاتی، کاهش می‌یابد. بنابراین، از دیدگاه وجود بازارهای سرمایه نقدشونده برای تخصیص کارایی سرمایه ضروری بوده، موجبات کاهش هزینه سرمایه‌ناشران را فراهم می‌آورد. نقدشوندگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر بازده اوراق بهادار از اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا عموماً نقدشوندگی نشان‌دهنده وضعیت محیط سرمایه‌گذاری و اقتصاد کلان است. از دیدگاه خرد بازار سرمایه نقدینه توانایی جذب سرمایه‌گذاران مختلف با استراتژی‌های معاملاتی متنوع را نیز فراهم می‌آورد (چانگ و الدر^۲، ۲۰۰۸). افراد در سرمایه‌گذاری‌های خود خواهان گزینه‌ای هستند که همواره بتوانند به عنوان پشتوانه نقدی خود به آن بنگرند. خرید یک سهم و نبود امکان تبدیل آن به وجه نقد، به طور قطع انگیزه سرمایه‌گذاری آن را کاهش می‌دهد و افراد را به فکر سرمایه‌گذاری در زمینه‌های دیگر یا سایر بازارها می‌اندازد (بادآور نهندی و همکاران، ۱۳۹۲). وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا، از عوامل اصلی ارزیابی وضع موجود و عملکرد یک شرکت در فعالیتهای خود و همچنین تصمیم‌گیری در مورد داد و ستد اوراق بهادار آن شرکت است. در محیط اقتصادی امروز با حضور فعالان اقتصادی متنوع و ساختار پیچیده روابط اقتصادی میان آن‌ها، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شوند که توسط گروهی حرفه‌ای و مستقل بر فرآیند تهیه و ارائه آن‌ها نظارت و اظهارنظر شده باشد. نمونه بارز گروه‌های حرفه‌ای مستقل، مؤسسات حسابداری می‌باشند که عمدتاً ساختار کنترل داخلی واحد گزارشگر و محصول نهایی آن یعنی صورت‌های مالی را مورد بررسی و نظارت قرار داده و در این مورد اظهارنظر می‌نمایند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به نقش مهم حسابرسان در تعیین کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سرمایه (بالورز و همکاران^۳، ۱۹۸۸؛ دی‌آنجلو^۴، ۱۹۸۱؛ فورتین و پیتمن^۵، ۲۰۰۷؛ پیتمن و فورتین^۶، ۲۰۰۴). تصمیم شرکت مبنی بر تغییر حسابرس اطلاعات مهمی را در بازار سرمایه از نظر کیفیت گزارشگری مالی فراهم می‌آورد. به دلیل اینکه دلایل اصلی تغییر حسابرس برای ناظران خارج شرکت مشهود نیست، سرمایه‌گذاران نمی‌توانند اثرات آن‌ها را ارزیابی کنند. طی مطالعات متعدد بررسی گردید که چگونه سرمایه‌گذاران نسبت به تغییر حسابرس واکنش نشان می‌دهند. با وجود این که طی برخی مطالعات واکنش منفی بازار سهام نسبت به تغییر حسابرس مشاهده گردید (بنیش و همکاران^۷، ۲۰۰۵؛ نچل و همکاران^۸، ۲۰۰۷؛ شو^۹، ۲۰۰۰؛ اسمیت^{۱۰}، ۱۹۸۸؛ ولز و لودر^{۱۱}، ۱۹۹۷؛ ویسنانت و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۳) در دیگر مطالعات واکنش مثبت بازار سهام اثبات شده است (سانکاراگورسومی و ویسنانت^{۱۳}، ۲۰۰۴؛ ویسنانت، ۲۰۰۶). بنابراین پیامدهای تغییر حسابرس

بر بازار سرمایه در مطالعات انجام شده مشاهده نگردید. در این پژوهش سعی شده است با توجه به نقش مؤسسات حسابرسی در تصمیمات سرمایه‌گذاری با بررسی اثر بکارگیری راهکار الزامی شدن چرخش مؤسسات حسابرسی بعد از دوره چهار ساله (طبق دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار) به عنوان یکی از راهبردهای عملی برای حل مسئله استقلال حسابرسی و مقایسه آن با قبل از تصویب قانون پیش گفته و دوره‌های چرخش کمتر از چهار سال، تأثیر آن بر نقدشوندگی سهام مورد بررسی قرار گیرد.

۳- مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

۳-۱- تغییر حسابرسی مستقل

رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان از جمله انرون و ورلدکام در آمریکا و پارلامات در اروپا نگرانی‌هایی را در رابطه با قابلیت اتکای صورت‌های مالی ایجاد کرده است. در حالی که مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت است؛ اما در پی این وقایع انگشت اتهام به سوی حسابرسان نشانه رفته است تا جایی که به‌طور عمومی از این وقایع به عنوان «شکست حسابرسی» یاد می‌شود. تلقی عموم این است که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب وقوع چنین وقایعی شده است. در پی این وقایع قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری سعی در تدوین قوانینی داشتند تا استقلال حسابرسی و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. یکی از قوانین تغییر حسابرسی مستقل بوده است (رحیمیان و جان فدا، ۱۳۹۳). ماراکمران و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۸) بیان می‌دارند فرایند تغییر حسابرسی موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های تهیه شده از سوی حسابرسان می‌شود و در نتیجه، انگیزه حسابرسان برای کشف و گزارش تحریفات با اهمیت به دلیل اعتماد سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. بتی و فرنلی^{۱۴} (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸) اثبات کردند که شرکت‌ها تغییر حسابرسی را به دلایل متعددی انجام می‌دهند. از دلایل رایج سطح دستمزدهای حسابرسی، عدم رضایت از کیفیت حسابرسی، تغییرات مدیران ارشد و رشد شرکت می‌باشد. کمیسیون بورس و اوراق بهادار (۱۹۸۸) بیان می‌کند که تغییر حسابرسی با جستجو و تلاش جهت شناسایی یک حسابرسی ارتباط دارد که یک روند کارکرد حسابداری پیشنهادی را دنبال و به شرکت کمک می‌کند تا اهداف گزارشگری خود را تحقق بخشد، با وجود اینکه این کنترل یا جهت‌گیری می‌تواند مانع گزارشگری معتبر گردد. تغییر حسابرسی نوعی دریافت نظریات از سوی شرکت است که در نتیجه اختلاف و عدم هماهنگی بین شرکت و حسابرسان آن رخ می‌دهد و با فرصت‌طلبی مدیران ایجاد می‌گردد. در نتیجه تغییر مداوم حسابرسان مشکلاتی در بازار رخ می‌دهد؛ به عنوان مثال با تغییر حسابرسی، شرکت‌ها به یک نگرش و دیدگاه مطلوب حسابرسی دست می‌یابند. البته افزایش رقابت در بازار حسابرسی، قیمت‌گذاری پایین حسابرسی و مناقصه را به همراه دارد که می‌تواند آزادی عمل حسابرسی را تضعیف کند (کاجک^{۱۵}، ۱۹۹۲). طرفداران تغییر اجباری حسابرسی اعتقاد دارند در نتیجه تغییر اجباری حسابرسی، استقلال حسابرسی و به تبع آن کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد. به عبارتی تصدی بلندمدت حسابرسی منجر به آشنایی بیشتر بین صاحبکار و حسابرسی می‌شود که

به‌طور بالقوه ناکارآمدی رویه‌های حسابرسی و اعتماد افراطی به برنامه‌های حسابرسی و نتایج سنوات گذشته می‌شود، همچنین تغییر اجباری حسابرس تأثیر مثبتی بر استقلال ظاهری حسابرس دارد که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، استقلال حسابرس بعد از تغییر اجباری را درک نموده که دارای منافع و مزایایی بر صورت‌های مالی و واکنش بازار در این خصوص خواهد بود و در این راستا فرصتی را برای مؤسسات حسابرسی کوچک به منظور مشارکت در بازار فراهم می‌نماید (احمدزاده، ۱۳۹۵). در مقابل، مخالفان تغییر اجباری حسابرس معتقدند این گونه الزامات هزینه‌هایی را هم به حسابرسان و هم به صاحب‌کاران آن‌ها تحمیل می‌کند که از جمله مهم‌ترین هزینه‌های تغییر اجباری حسابرس بنا بر ادعای مخالفان، می‌توان به کاهش توان نظارتی حسابرسان بر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت به دلیل از بین رفتن اطلاعات مختص به صاحب‌کار در پی تغییرات مکرر حسابرس مستقل، افزایش حق‌الزحمه حسابرسی به دلیل زمان‌بر بودن حسابرسی اولیه و کاهش سهم از بازار مؤسسات حسابرسی بزرگ اشاره کرد (هریس^{۱۶}، ۲۰۱۲). تغییر اجباری شرکای حسابرسی در ایالات متحده و بعضی نقاط دیگر اجرا می‌شود، در حالی که تغییر مؤسسات حسابرسی تنها در کشورهای کمی در جهان مورد قبول قرار گرفته است (رحیمیان و جان‌فدا، ۱۳۹۳). پیشینه تغییر حسابرس در ایران نیز نشان می‌دهد که فرایند تغییر حسابرسان مستقل در سال‌های گذشته به دلیل محدود بودن حسابرس توسط چند مؤسسه بزرگ از جمله مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان و مؤسسه حسابرسی شاهد به شکل مدون و رسمی و در قالب مفاد قانونی وجود نداشته است و فقط گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای تعدادی از کارهای خاص با نظر مدیران مؤسسه تغییر کرده است. در سال ۱۳۶۶ سازمان حسابرسی با ادغام این مؤسسات تشکیل شد. در سازمان حسابرسی به دلیل تنوع و تعداد صاحبکاران و به منظور اعمال کنترل و بررسی بیشتر، گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای کار در دوره‌های زمانی با میانگین سه سال تغییر می‌یابند. این جابه‌جایی ممکن است مسئولیت انجام حسابرسی یک شرکت را از یک مدیر سلب و به مدیر دیگری در داخل آن سازمان محول کند، لذا فرایند تغییر صرفاً در زمره مقررات تغییر حسابرس، آن‌گونه که در سایر کشورها مدنظر است قرار نمی‌گیرد، اما در نهایت با تصویب دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۸ مردادماه سال ۱۳۸۶ توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار، تغییر منظم حسابرس مستقل در دوره زمانی چهارساله الزامی شد و تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اشخاص تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار موظف به رعایت آن شدند (مهدوی و محمدی، ۱۳۹۰).

۳-۲- تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام

مطالعات مربوط به ساختار خرد بازار نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعات اثر منفی و نامطلوبی بر نقدشوندگی سهام دارد؛ از آنجایی که تغییر حسابرس اطلاعات جدیدی مربوط به کیفیت گزارش مالی شرکت‌ها را به شرکت‌کنندگان بازار سرمایه انتقال می‌دهد، می‌توان گفت که نقدشوندگی سهام نسبت به تغییر حسابرس واکنش نشان می‌دهد (ایچنسر و همکاران^{۱۷}، ۱۹۸۹). نقدشوندگی سهام

نشان دهنده سطح اختلاف و میزان عدم تقارن اطلاعات بین خریداران بالقوه و فروشندگان است (گلوستن و میلگروم^{۱۸}، ۱۹۸۵) که تحت تأثیر کیفیت گزارشگری مالی شرکت قرار می‌گیرد (هیلی و همکاران^{۱۹}، ۱۹۹۹؛ لیوز^{۲۰}، ۲۰۰۳؛ لیوز و ویرکچیا^{۲۱}، ۲۰۰۰) بنابراین نقدشوندگی سهام می‌تواند موجب تضعیف اثر تغییر حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها شود (آمیهود و مندلسون^{۲۲}، ۱۹۸۶؛ لانگ و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۲). برخی تغییرات حسابرس می‌تواند منجر به ایجاد کیفیت بالای حسابرسی گردد. مثلاً جایگزین‌سازی یک حسابرس توانمند با یک حسابرس که توانمندی ضعیف‌تری دارد را می‌توان نشان دهنده کاهش ناهماهنگی اطلاعات دانست که در نتیجه منجر به نقدشوندگی سهام بیشتر می‌گردد و این مسأله نشان می‌دهد که نتایج و پیامدهای اقتصادی تغییرات حسابرس با توجه به نوع تغییر حسابرس می‌تواند متفاوت باشد (ایچسنهر و همکاران، ۱۹۸۹). با وجود این که تجار و سرمایه‌گذاران آگاه به دلیل دسترسی شخصی آن‌ها به اطلاعات شرکت توجهی به تغییر حسابرس نمی‌کنند، سرمایه‌گذاران ناآگاه ارزیابی خود از کیفیت گزارشگری مالی را با شنیدن اخبار مربوط تغییر یک حسابرس مورد تجدید نظر قرار می‌دهند. بنابراین نقدشوندگی سهام، اختلاف موجود در انتظارات و اهداف سرمایه‌گذاران را بهتر از بهره و سود سهام نشان می‌دهد.

شواهد نشان می‌دهد شرکت‌هایی که حسابرسان خود را تغییر داده‌اند دارای نقدشوندگی سهام کمتری هستند؛ بنابراین می‌توان گفت که سرمایه‌گذاران تغییر حسابرس را به دلیل احتمال خرید نظرات، دیدگاه‌ها و کارکرد قیمت‌گذاری پایین حسابرسان، نشان دهنده کیفیت ضعیف حسابرسی می‌دانند. در مطالعه مایهو و پیک^{۲۴} (۲۰۰۴) عنوان گردید که واگذاری اختیارات انتصاب و برکناری حسابرسان از مدیران به سهامداران، استقلال و آزادی عمل حسابرسان را افزایش می‌دهد و منجر به ارتقاء آزادی عمل مازاد درآمد در بازارها شده و کارایی یا بازده اقتصادی سطح بالایی را به همراه خواهد داشت. با وجود اینکه طی تحقیقات موجود شواهدی بدست نیامده که اثبات کند کیفیت حسابرسی طبق مکانیزم‌های تغییر حسابرس بهبود می‌یابد (بلوین و همکاران^{۲۵}، ۲۰۰۷؛ کوهلبک و همکاران^{۲۶}، ۲۰۰۸؛ روییز باربادیلو و همکاران^{۲۷}، ۲۰۰۹) نتایج حاصله نشان می‌دهند که کیفیت حسابرسی تحت سیستم انتخاب یا گزینش حسابرس افزایش می‌یابد؛ همچنین فن و ونگ^{۲۸} (۲۰۰۵) دریافتند که شرکت‌های دارای حسابرسان توانمند، کسری یا کاهش کمتر نرخ سهام را دریافت می‌کنند. طی مطالعات متعددی با ارزیابی سودهای سهام بررسی گردید که سرمایه‌گذاران چگونه نسبت به تغییر حسابرس واکنش نشان می‌دهند. حسابرسان به عنوان اعتباردهندگان اصلی صورت‌های مالی می‌توانند بر ارزش آتی شرکت اثرگذار باشند و باعث تغییر در قیمت سهام و در نتیجه نقدشوندگی سهام شوند. جورج و همکاران^{۲۹} (۲۰۰۹) معتقدند که تغییر حسابرسان بر واکنش سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است و این تأثیر در قیمت سهام منعکس شده است. به عبارتی تغییر حسابرس باعث تغییر عکس‌العمل‌های سرمایه‌گذاران می‌شود که این تغییر در مواردی تأثیر مثبت و در مواردی تأثیر منفی بر قیمت سهام و نقدشوندگی سهام دارد.

۳-۳- پیشینه تجربی پژوهش

فنگ و همکاران^{۳۰} (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر قیمت گذاری گزینشی با دو مدل قیمت گذاری گزینشی پرداختند که این دو مدل از تمام جهات به غیر از وجود یا عدم نقدشوندگی در دارایی‌های زیربنایی مشابه یکدیگرند. نتایج پژوهش نشان داد که بین نقدشوندگی سهام و قیمت گذاری گزینشی رابطه معناداری وجود دارد.

ژانگ^{۳۱} (۲۰۱۶) به بررسی ارتباط بین مشارکت بازار سهام محلی و نقدشوندگی سهام پرداخت، یافته‌ها حاکی از آن بود که سهام‌های واقع در بخش‌هایی که درصد بالای آن‌ها را سفیدپوست تشکیل داده‌اند نقدتر هستند که این اثر در بین سهام‌هایی با تمرکز خرده فروشی بالا بیشتر و قوی‌تر است. همچنین نتایج نشان داد که تجارت پر سر و صدا نقدشوندگی را تحت تجارت آگاهانه داخلی افزایش می‌دهد؛ به عبارت دیگر، هنگامی که سرمایه‌گذاران نهادی بیشتر، به‌ویژه سرمایه‌گذاران با سبک‌های سرمایه‌گذاری اندک و سبک‌های تجاری ناپایدار در مجاورت وجود داشت باشند، تأثیر بر نقدشوندگی بیشتر و قوی‌تر می‌شود.

چوی و همکاران^{۳۲} (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر تغییر اجباری در مقابل تغییر داوطلبانه حسابرس مستقل بر نقدشوندگی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که: (۱) تغییر حسابرس رابطه منفی با نقدشوندگی سهام دارد (۲) تغییر از یک حسابرس به حسابرس با کیفیت پایین‌تر تأثیر منفی بر نقدشوندگی سهام دارد. آن‌ها دریافته‌اند تغییر اجباری حسابرس رابطه مثبتی با نقدشوندگی سهام دارد. همچنین آن‌ها دریافته‌اند که مالکیت خارجی اثری کاهنده بر رابطه منفی بین تغییر حسابرس و نقدشوندگی سهام دارد، در نتیجه می‌توان گفت سرمایه‌گذاران زمانی که مکانیزم کنترل جایگزین می‌گردد کمتر به مسأله جایگزینی یا تغییر حسابرس توجه دارند.

لانگ و همکاران^{۳۳} (۲۰۱۲) دریافته‌اند که تغییر به یک حسابرس توانمندتر منجر به افزایش نقدینگی سهام و کاهش هزینه‌های معاملاتی می‌شود.

سالوای^{۳۴} (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «کیفیت اطلاعات مالی و نقدشوندگی سهام» به بررسی ارتباط بین نقدشوندگی سهام و کیفیت اطلاعات مالی پرداخت. در این پژوهش تأثیر درآمد هر سهم به عنوان معیار کیفیت اطلاعات مالی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباط مثبتی بین کیفیت اطلاعات و نقدشوندگی سهام وجود دارد.

ابی‌موبوی و کرتو^{۳۵} (۲۰۱۱) در پژوهش خود به منظور شناسایی تأثیر تغییر حسابرس بر کیفیت، هزینه و استقلال حسابرسی، ۲۵۰ پرسشنامه بین سرمایه‌گذاران در نیجریه توزیع کردند و بعد از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها به این نتیجه رسیدند که تغییر ادواری حسابرس در برخی موارد باعث افزایش کیفیت حسابرسی و عکس‌العمل مثبت سرمایه‌گذاران و در نتیجه افزایش قیمت سهام می‌شود، و در موارد دیگر هیچ‌گونه تأثیری بر کیفیت حسابرسی ندارد.

نوماتا و تاکدا^{۳۶} (۲۰۱۰) در پژوهش خود به منظور مشخص کردن رابطه بین تغییر حسابرس و قیمت سهام به بررسی اطلاعات ۲۵۴ شرکت ژاپنی پرداختند که در سال ۲۰۰۴ حسابرس خود را تغییر داده بودند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که بین عکس‌العمل بازار و قیمت سهام

شرکت‌های ژاپنی و عدم موفقیت تیم حسابرسی در دستیابی به اهدافشان رابطه معناداری وجود دارد.

گوپالان و همکاران^{۳۷} (۲۰۱۰) رابطه بین نقدشوندگی دارایی‌ها و نقدشوندگی سهام را تحت مدل معینی در آوردند. آنان هم تئوری عدم اطمینان ارزش‌گذاری و هم تئوری عدم اطمینان سرمایه‌گذاری را در مدل خود در نظر گرفتند. مدل آن‌ها نشان داد که رابطه بین نقدشوندگی دارایی‌ها و نقدشوندگی سهام به علت دو تئوری رقیب، مبهم است؛ هر چند که مطالعه تجربی آن‌ها نشان داد که بین نقدشوندگی دارایی‌ها و نقدشوندگی سهام برای واحدهای تجاری ایالت متحده رابطه مثبتی وجود دارد. آن‌ها در فرضیه دوم این پژوهش با استفاده از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و مخارج سرمایه‌ای به منظور شناسایی واحدهای تجاری رو به رشد، دریافتند که رابطه بین نقدشوندگی دارایی‌ها و نقدشوندگی سهام برای واحدهای تجاری با فرصت رشد بیشتر مثبت اما ناچیز است. آن‌ها همچنین در بررسی فرضیه سوم خود دریافتند که این رابطه برای واحدهای تجاری کوچک‌تر، مثبت‌تر است.

چنا و همکاران^{۳۸} (۲۰۰۹) طی پژوهشی از شرکت‌های تایوانی دریافتند که تغییر حسابرس صدور گزارش حسابرسی مقبول رابطه مستقیم دارد. آن‌ها نشان دادند مدیران به منظور مطلوب نشان دادن عملکرد شرکت، حسابرس خود را تغییر می‌دهند تا به واسطه این تغییر، گزارش حسابرسی مقبول دریافت کنند و به این روش، عملکرد شرکت را مطلوب جلوه دهند. در این پژوهش، نشان داده شد که در سال‌های بعد، احتمال ورشکستگی این‌گونه شرکت‌ها بیشتر بوده است.

روییزباربادی‌لو و همکاران^{۳۹} (۲۰۰۹) در پژوهشی از اسپانیا دریافتند که چرخش اجباری حسابرس در سال آخر بر اساس قوانین حسابرسی، تأثیری بر صدور نوع اظهارنظر حسابرس ندارد. آن‌ها عنوان می‌کنند حسابرسان احتمالاً به دلیل عدم از دست دادن شهرت خود، این انگیزه را دارند تا در صدور نوع اظهارنظر، استقلال خود را مطلوب جلوه دهند. اما این انگیزه در سال‌های قبل از سال تغییر اجباری، وجود ندارد و برخی حسابرسان مطابق میل صاحبکاران گزارش صادر می‌کنند.

کیم و وایی^{۴۰} (۲۰۰۶) تأثیر مثبت چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در کره را بررسی کردند و دریافتند سطح اقلام تعهدی اختیاری در پی تغییر حسابرس کاهش می‌یابد. به اعتقاد آن‌ها اعمال هرگونه محدودیت بر روابط حسابرس و صاحبکار، کیفیت حسابرسی را بهبود می‌دهد.

فن و ونگ^{۴۱} (۲۰۰۵) دریافتند که شرکت‌های دارای حسابرسان توانمند کسری یا کاهش کمتر نرخ سهام را دریافت می‌کنند که با درگیری‌های سازمانی در کشورهای آسیای شرقی ارتباط دارد و نشان می‌دهد که حسابرسان مستقل نقش رهبری شرکت را در بازارهای جدید ایفا می‌کنند.

عزیزخانی و همکاران^{۴۲} (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی تأثیر سیاست چرخش اجباری حسابرس بر حق‌الزحمه حسابرسی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج نشان داد که سیاست چرخش اجباری حسابرس سبب افزایش در حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نشده است و شرکت‌هایی که به‌طور اختیاری حسابرس خود را تغییر دادند افزایش حق‌الزحمه حسابرس را تجربه کردند. به‌طور

کلی، نتایج این پژوهش شواهدی در تأیید این ادعا که سیاست چرخش اجباری حسابرس موجب افزایش در هزینه‌های حسابرسی می‌شود، فراهم نمی‌آورد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر گردش اجباری مؤسسه‌های حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی و رقابت در بازار حسابرسی در نمونه‌ای متشکل از ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد حق‌الزحمه حسابرس مستقل، به موجب گردش اجباری افزایش می‌یابد و این افزایش بیش از افزایش معمول در گردش اختیاری حسابرسان است و به شرکت‌ها هزینه اضافی تحمیل می‌کند. پس از وضع الزامات یاد شده، تفاوت شایان توجهی در سهم از بازار مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا و پایین مشاهده نشد.

وکیلی فرد و محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تغییر حسابرس و نوع گزارش حسابرسی» به بررسی رابطه بین تغییر حسابرس و گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین تغییر حسابرس مستقل با گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود داشته و در بحث نوع تغییر حسابرس نیز نتایج آزمون فرضیه‌ها بیانگر این مطلب است که بین نوع تغییر حسابرس مستقل با گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد.

رحیمیان و جان‌فدا (۱۳۹۳) تأثیر چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی را با انتخاب نمونه‌ای متشکل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابرسی تأثیری بر کیفیت حسابرسی ندارد.

مهدوی و محمدی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر تغییر حسابرس مستقل بر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به منظور بررسی این موضوع، نمونه‌ای متشکل از ۳۱۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ استفاده گردید؛ نتایج نشان داد تنها بین تغییر حسابرس از سازمان حسابرسی به مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام رابطه منفی و معنادار وجود دارد اما بین سایر تغییرات حسابرس و قیمت سهام رابطه آماری معناداری مشاهده نشد.

مهدوی و ابراهیمی (۱۳۸۹) با بررسی دلایل مؤثر بر تغییر حسابرس دریافتند علی‌رغم تصورهای کلی موجود که دلیل تغییر حسابرس توسط شرکت‌ها را ناشی از عواملی همچون دریافت اظهار نظر مطلوب، مدیریت سود، جلوگیری از تقلب و ضعف عملکرد مدیریت می‌دانند، گاهی اوقات شرکت‌ها برای بهبود عملکرد خود حسابرسان خود را تغییر می‌دهند. همچنین، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی جانشین، به صاحبکارانی که با هدف تحکیم جایگاه مدیریت حسابرسان خود را تغییر داده‌اند، اجازه دستکاری سود نمی‌دهند. افزون بر این، الزاماً اظهار نظر مقبولی دریافت نمی‌کنند.

رضا زاده و زارعی مروج (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در

ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که حق الزحمه حسابرس، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت‌ها، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر تغییر حسابرسان از سوی شرکت‌ها تأثیر دارد و اظهار نظر مشروط، افزایش میزان فروش شرکت صاحبکار، میزان فراوان نسبت بدهی بلندمدت به دارایی‌های شرکت صاحبکار، مقدار زیاد نسبت بدهی کوتاه مدت به دارایی‌های شرکت صاحبکار و افزایش سرایه شرکت صاحبکار بر تغییر حسابرسان شرکت‌ها تأثیری ندارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به میانی نظری و پیشینه تجربی، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود.
فرضیه اول: بین تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: بین نوع تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و روش‌شناسی پژوهش از نوع پس‌رویدادی است و چون می‌تواند در فرایند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، بنابراین نوعی پژوهش کاربردی است. برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است و برای بررسی معناداری مدل رگرسیون از آماره F و برای بررسی معنادار بودن ضریب متغیرهای مستقل نیز از آماره t استفاده شده است. استقلال پسماندها با استفاده از آماره دوربین واتسون مورد ارزیابی قرار گرفت. روش رگرسیونی به کار گرفته شده روش حداقل مربعات با استفاده از داده‌های ترکیبی است. تحلیل آماری از طریق نرم‌افزار Eviews نسخه ۷ انجام شده است.

بازه زمانی پژوهش حاضر سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و جامعه آماری آن شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، باید سال مالی شرکت‌های مورد بررسی پایان اسفندماه هر سال باشد. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی (به دلیل ماهیت خاص فعالیت آن‌ها) نباشد. با در نظر گرفتن شرایط بالا، نمونه‌ای با حجم ۱۲۴ شرکت از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است.

۶- مدل و متغیرهای پژوهش

برای تجزیه و تحلیل فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی (۱) و برای تجزیه و تحلیل فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی (۲) استفاده می‌شود:

مدل (۱)

$$Liquidity_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SWITCH_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 LEV_{i,t} + \alpha_4 ATURN_{i,t} + \alpha_5 ROA_{i,t} + \alpha_6 SGROW_{i,t} + \alpha_7 QUICK_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲)

$$Liquidity_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SWITCHTYPE_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 LEV_{i,t} + \alpha_4 ATURN_{i,t} + \alpha_5 ROA_{i,t} + \alpha_6 SGROW_{i,t} + \alpha_7 QUICK_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۶-۱- متغیر وابسته

نقدشوندگی سهام (liquidity): نقدشوندگی یک معیار چند بعدی است و بیانگر توانایی مبادله سریع حجم بالایی از سهام با هزینه اندک و بدون تأثیرپذیری با اهمیت قیمت آن است. در این پژوهش از رتبه نقدشوندگی به عنوان نماینده نقدشوندگی استفاده می‌شود، این رتبه با استفاده از چند معیار معاملاتی مانند تعداد خریداران، تعداد دفعات معاملات، تعداد روزهای معاملاتی، حجم معاملات، تعداد سهام معامله شده و میزان ارزش روز محاسبه می‌شود. این رتبه هم اکنون با استفاده از پایگاه داده‌ای ره‌آورد نوین قابل دسترسی می‌باشد. مطابق با آنچه که در بسته نرم‌افزاری ره‌آورد نوین آمده است، رتبه نقدشوندگی عددی است که میزان نقدشدن یک سهم را در بازار نشان می‌دهد. هرچه رتبه نقدشوندگی کمتر باشد نقدشوندگی سهام بیشتر خواهد بود. بدین ترتیب برای آزمون فرضیات از معکوس رتبه نقدشوندگی به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌گردد.

۶-۲- متغیرهای مستقل

تغییر حسابرس مستقل: متغیر مستقل برای آزمون فرضیه اول پژوهش است. در صورتی که حسابرس مستقل طی دوره پژوهش تغییر کرده باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر داده می‌شود.

نوع تغییر حسابرس مستقل: متغیر مستقل برای آزمون فرضیه دوم پژوهش است. در صورتی که حسابرس مستقل به صورت اجباری تغییر کرده باشد، عدد یک و در صورتی که حسابرس مستقل به صورت داوطلبانه تغییر کرده باشد، عدد صفر داده می‌شود.

تغییر اجباری حسابرس مستقل، اشاره به این دارد که مؤسسه حسابرسی یک شرکت به صورت اجباری تعویض گردد و از بین سایر مؤسسات واجد شرایط، یک مؤسسه به عنوان حسابرس جدید انتخاب شود. با توجه به این که طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی شروع مهلت ۴ ساله از تاریخ تصویب دستورالعمل می‌باشد، لذا مؤسسات حسابرسی از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۸ در صورتی که ۴ سال متوالی اخیر حسابرس و بازرس شرکت بوده‌اند، نمی‌توانند پس از تاریخ یاد شده، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند. فارغ از این، تغییر داوطلبانه حسابرس مستقل تبلور می‌یابد. به عبارتی دیگر چنانچه حسابرس جدید جایگزین حسابرس قبلی شده باشد که دارای ۴ سال دوره تصدی حسابرسی پیوسته شرکت بوده به عنوان تغییر اجباری حسابرس مستقل و هرگونه تغییر حسابرس مستقل قبل از اتمام ۴ سال دوره تصدی به عنوان تغییر داوطلبانه حسابرس مستقل در نظر گرفته می‌شود.

۳-۶- متغیرهای کنترلی

بر اساس پژوهش‌های ژانگ (۲۰۱۶)، فنگ و همکاران (۲۰۱۶) و چوی و همکاران (۲۰۱۵) متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است.

اندازه شرکت (SIZE): در این پژوهش اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی فروش به دست می‌آید. اهرم مالی (LEV): از تقسیم مجموع بدهی‌های پایان دوره بر مجموع دارایی‌های پایان دوره به دست می‌آید.

نسبت گردش دارایی‌ها (ATURN): این نسبت از تقسیم فروش بر کل دارایی‌های پایان دوره به دست می‌آید. بازده دارایی‌ها (ROA): این نسبت از تقسیم سود خالص پس از کسر مالیات بر کل دارایی‌های پایان دوره به دست می‌آید.

رشد فروش (SGROW): این نسبت از تقسیم تغییر در فروش بر فروش در سال قبل به دست می‌آید. نسبت آنی (QUICK): این نسبت از تقسیم دارایی‌های جاری پس از کسر موجودی کالا بر بدهی‌های جاری به دست می‌آید.

۷. بررسی پایایی، آمار توصیفی و هم‌خطی متغیرهای پژوهش

نتایج پایایی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است. برای تعیین پایایی متغیرهای پژوهش حاضر از آزمون لوین، لین و چو استفاده می‌شود. از آنجائی که مقدار سطح معناداری تمامی متغیرها کم تر از ۰.۵٪ بوده است نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مورد استفاده، طی دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند. پایایی به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است.

جدول ۱. نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

Levin,lin & chu		متغیر
احتمال	آماره	
۰ /۰۰۰	-۲۲ /۷۰۳	نقدشوندگی سهام
۰ /۰۰۰	-۱۳ /۸۵۴	تغییر حسابرس مستقل
۰ /۰۰۰	-۴۴ /۶۱	نوع تغییر حسابرس مستقل
۰ /۰۰۰	-۶۵ /۰۰۶	اندازه شرکت
۰ /۰۰۰	-۱۹ /۵۶۷	اهرم مالی
۰ /۰۰۰	-۱۶ /۷۷	نسبت گردش دارایی‌ها
۰ /۰۰۰	-۱۷ /۳۳۵	بازده دارایی‌ها
۰ /۰۰۰	-۲۵ /۰۲۵۶	رشد فروش
۰ /۰۰۰	-۲۷ /۳۵۸۱	نسبت آنی

به منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شوند. توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌روند (آذر و مؤمنی، ۱۳۹۱).

آماره‌های توصیفی متغیرهای به کار رفته در این پژوهش شامل ۱۲۴ شرکت نمونه به شرح جدول ۲ آمده است. این جدول بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می‌باشد. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر پیشینه، کمینه، میانگین هستند. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست و نشان می‌دهد بیشترین داده‌های مربوط به هر متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. میانگین و میانه جزء شاخص‌های مرکزی و انحراف معیار جزء شاخص‌های پراکندگی است. مقایسه میانگین مشاهدات با میانه آن‌ها و اختلاف اندک آن‌ها بیانگر نرمال بودن توزیع مشاهدات است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر/آماره	میانگین	میانه	پیشینه	کمینه	انحراف معیار
نقد شوندگی سهام	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰۲۸۷	۳/۸۲۲	-۲/۵۰۷	۱/۰۱۲۱
تغییر حسابرس مستقل	۰/۲۵۵	۰	۱	۰	۰/۴۳۶۳
نوع تغییر حسابرس مستقل	۰/۴۷۴۶	۰	۱	۰	۰/۵۰۰۹
اندازه شرکت	۱۳/۷۹	۱۳/۶۲۵	۱۸/۵۳۴	۱۰/۳۲۲	۱/۴۰۹
اهرم مالی	۰/۵۷۲	۰/۶۰۰	۱/۰۰۹۳	۰/۰۹۰	۰/۱۷۸
نسبت گردش دارایی‌ها	۰/۹۰۲	۰/۷۹۲	۵/۷۵۷	۰/۱۱۷	۰/۵۴۸
بازده دارایی‌ها	۰/۱۵۹	۰/۱۳۶	۰/۶۲۶	۰/۰۰۰۰۹	۰/۱۱۹
رشد فروش	۰/۲۵۹	۰/۲۱۶۸	۴/۶۵۱	-۰/۴۸۲۹	۰/۳۴۴۹
نسبت آنی	۰/۹۱۹۳	۰/۸۱۴	۹/۸۰۰۵	۰/۰۸۹۴	۰/۷۲۷۸

همانطور که مشاهده می‌شود، بیشترین و کمترین مقدار میانگین به ترتیب متعلق به متغیرهای اندازه شرکت (۱۳،۷۹) و نقدشوندگی سهام (۰،۰۰۹) می‌باشد. بیشترین و کمترین مقدار انحراف معیار نیز به ترتیب مربوط به اندازه شرکت (۱،۴۰۹) و بازده دارایی‌ها (۰،۱۱۹) می‌باشد. همچنین، با توجه به مقادیر مربوط به آمار توصیفی متغیرهای پژوهش و مقایسه میانگین مشاهدات با مقادیر میانه و اختلاف اندک میان آن‌ها، می‌توان گفت که متغیرهای پژوهش برای اهداف پژوهش و آزمون

فرضیات مناسب می‌باشند.

قبل از بررسی فرضیه‌های پژوهش ابتدا پیش فرض‌های رگرسیون مورد آزمون قرار گرفت. در آزمون جاک برا مشخص شد که متغیر وابسته یعنی نقدشوندگی سهام دارای توزیع نرمال می‌باشد. همچنین مشکل ناهمسانی واریانس بین متغیرها وجود نداشت. در بررسی هم خطی میان متغیرهای مستقل پژوهش از تحلیل همبستگی استفاده گردید، که این کار از طریق ضریب همبستگی پیرسون انجام شده است.

جدول ۳. بررسی هم خطی متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	تغییر حسابرس مستقل	اندازه	نوع تغییر حسابرس مستقل	اهرم	نسبت گردش دارایی‌ها	بازده دارایی‌ها	رشد فروش	نسبت آبی
تغییر حسابرس مستقل	۱							
اندازه	-۰/۰۶۰	۱						
نوع تغییر حسابرس مستقل	۰/۰۸۳۱	۰/۰۸۴	۱					
اهرم	۰/۰۴۸	۰/۰۴۰۷	-۰/۱۸۹	۱				
نسبت گردش دارایی‌ها	۰/۰۰۱	۰/۲۲	-۰/۰۹۲۲	۰/۱۳۹	۱			
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۳۱	۰/۱۵۷	۰/۰۳۰	-۰/۵۰۶	۰/۰۰۷	۱		
رشد فروش	-۰/۰۴۲	۰/۱۲۲	۰/۰۵۵	۰/۰۷۹	۰/۱۶	۰/۲۶	۱	
نسبت آبی	-۰/۰۲۵	-۰/۰۲۶	۰/۰۴۵۴	-۰/۰۹۹	-۰/۰۹۹	۰/۳۷۵	۰/۲۶۷	۱

با توجه به نتایج جدول ۳ مشخص گردید ضریب همبستگی خیلی زیاد یا خیلی کم (نزدیک به ۱+ یا ۱-) که نتایج تحلیل رگرسیونی را تحت تأثیر قرار دهد مشاهده نمی‌شود. در نتیجه هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد.

۸- تجزیه تحلیل مدل جهت آزمون فرضیه اول پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرایندی چند مرحله‌ای است که طی آن‌ها داده‌هایی که به طرق مختلف جمع‌آوری شده‌اند؛ خلاصه، دسته‌بندی و در نهایت پردازش می‌شوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل‌ها و ارتباط بین داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در این فرایند، داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و هم از جنبه تجربی پالایش می‌شوند و تکنیک‌های گوناگون آماری نقش بسزایی در استنتاج و تعمیم به عهده دارند (خاکی، ۱۳۸۷). به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل‌های اصلی پژوهش

برآورد می‌گردد. لذا، ابتدا به منظور انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون F لیمر (چاو) استفاده می‌شود. اگر p-value محاسبه شده بیشتر از سطح خطای ۵ درصد باشد از داده‌های تلفیقی و در غیر این صورت از داده‌های تابلویی استفاده خواهد شد که نتایج به شرح زیر است:

جدول ۴. آزمون اف لیمر (چاو)

مدل	آماره	مقدار	P-Value	نتیجه آزمون
مدل ۱	F لیمر	۷ / ۱۵۷	۰ / ۰۰۰	داده‌های پانلی
	Chi-square (χ^2)	۶۳۸ / ۴۱۵	۰ / ۰۰۰	

با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون F لیمر در مدل پژوهش کوچک‌تر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده‌های پانل (Panel) استفاده خواهد شد. با توجه به تأیید داده‌های پانلی باید مشخص گردد مدل با اثرات ثابت مناسب است یا مدل با اثرات تصادفی. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌گردد.

جدول ۵. نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره	مقدار	P-Value	نتیجه آزمون
۱	Cross-section Random	۶۶ / ۸۹۸	۰ / ۰۰۰	اثرات ثابت (FE)

با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون هاسمن کوچک‌تر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل، توجیه می‌شود که الگوی مناسب، الگوی مبتنی بر الگوی اثرات ثابت می‌باشد.

۸-۱-۱- آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد که بین تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام رابطه وجود دارد. نتایج برازش مدل اول برای تجزیه و تحلیل فرضیه اول پژوهش در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: نقد شوندگی سهام			
متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدأ	۵ / ۲۷۴	۷ / ۶۷۴	۰ / ۰۰۰۰
تغییر حسابرس مستقل	-۰ / ۰۹۶	-۲ / ۲۹۲	۰ / ۰۲۲۳
اندازه شرکت	-۰ / ۳۸۷	-۷ / ۸۲۳	۰ / ۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰ / ۳۳۸	-۱ / ۵۳۷	۰ / ۱۲۴۸
نسبت گردش دارایی‌ها	۰ / ۲۲۱	۱ / ۸۹۶	۰ / ۰۵۸۵
بازده دارایی‌ها	۰ / ۷۰۴	۱ / ۱۸۹۶	۰ / ۰۵۸۵
رشد فروش	۰ / ۱۴۹	۲ / ۵۴۸	۰ / ۰۱۱۱
نسبت آنی	-۰ / ۰۵۳	-۱ / ۲۰۰۴	۰ / ۲۳۰۶
ضریب تعیین ۰ / ۸۵۱		ضریب تعیین تعدیل شده ۰ / ۸۱۱	
آماره دوربین واتسون ۲ / ۱۷۶		آماره F ۲۱ / ۵۲۳	
		احتمال آماره F ۰ / ۰۰۰	

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد که p-value (احتمال آماره F) آزمون F کوچک‌تر از ۵ درصد است و از آنجائی‌که، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰ / ۸۵ است. این عدد نشان می‌دهد که ۸۵ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائی‌که آماره دوربین واتسون این مدل بین ۱ / ۵ و ۲ / ۵ است (۲ / ۱۷۶)، می‌توان گفت که در این مدل مشکل خود همبستگی بین باقیمانده‌های مدل وجود ندارد. همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مستقل یعنی تغییر حسابرس مستقل، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آن متغیر (-۰ / ۰۹۶) منفی می‌باشد در نتیجه می‌توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته رابطه معنادار و منفی دارد و حاکی از تأیید فرضیه اول می‌باشد. به عبارت دیگر، با تغییر حسابرس مستقل نقدشوندگی سهام کاهش می‌یابد و شرکت‌هایی که حسابرس مستقل را تغییر می‌دهند نقدشوندگی سهام پایین‌تری خواهند داشت. از میان متغیرهای کنترلی تنها متغیرهای اندازه شرکت و رشد فروش با نقد شوندگی سهام رابطه معناداری دارد. به عبارتی اندازه شرکت رابطه معنادار منفی و رشد فروش رابطه معنادار مثبت با نقد شوندگی سهام دارد. بقیه متغیرهای کنترلی با نقدشوندگی سهام رابطه معناداری ندارند.

۸-۲- آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد که بین نوع تغییر حسابرِس مستقل و نقدشوندگی سهام رابطه وجود دارد. این مدل تنها برای مشاهداتی که در طی دوره مورد بررسی تغییر حسابرِس مستقل داشته‌اند برازش می‌شود. تعداد مشاهداتی که دارای این شرایط بوده‌اند شامل ۱۵۸ مشاهده از ۶۲۰ مشاهده می‌باشد.

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: نقد شوندگی سهام			
متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدأ	-۲/۶۰۵	-۳/۲۷۷	۰/۰۱۳
نوع تغییر حسابرِس مستقل	۰/۰۲۰۶	۰/۱۳۹	۰/۸۸۸
اندازه شرکت	۰/۲۱۴	۳/۶۵۷	۰/۰۰۴
اهرم مالی	--/۷۷۷	-۱/۱۷۱	۰/۰۸۹
نسبت گردش دارایی‌ها	--/۲۰۵	-۱/۴۵۵	۰/۱۴۷
بازده دارایی‌ها	--/۵۲۳	-۰/۶۵۹	۰/۵۱۶۱
رشد فروش	--/۰۲۰۱	--/۰۷۳۵	۰/۹۴۱۴
نسبت آنی	۰/۲۴۲	۱/۵۶۹	۰/۱۱۸۵
ضریب تعیین ۰/۱۴۶		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۰۶	
آماره دوربین واتسون ۱/۶۷		آماره F ۳/۶۶	
		احتمال آماره F ۰/۰۰۱	

نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون F کوچک‌تر از ۵ درصد است و از آنجائی که، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۱۴/۰ است. این عدد نشان می‌دهد که ۱۴ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائی که آماره دوربین واتسون این مدل بین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۶۷)، می‌توان گفت که در این مدل خود همبستگی مرتبه اول وجود ندارد. همان‌گونه که نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد، سطح معناداری محاسبه شده نوع تغییر حسابرِس مستقل، بیشتر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته رابطه معناداری ندارد و حاکی از رد فرضیه دوم می‌باشد. به عبارت دیگر، بین نوع تغییر حسابرِس مستقل و نقدشوندگی سهام شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

۹- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام با استفاده از نمونه ای شامل ۶۲۰ مشاهده (سال- شرکت) برای دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد بین تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام رابطه معنادار و منفی وجود دارد به این معنی که با تغییر حسابرس مستقل، نقدشوندگی سهام کاهش می‌یابد به عبارتی شرکت‌هایی که حسابرس مستقل را تغییر می‌دهند نقدشوندگی سهام کمتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که تغییر حسابرس نداشته‌اند. این یافته با این دیدگاه سازگار است که تغییر حسابرس نتایج اقتصادی منفی در پی دارد و پیشنهاد می‌کند که نگرانی‌های سرمایه‌گذاران درباره تغییر حسابرس در ارتباط با بدتر شدن کیفیت حسابرسی است زیرا امکان انتخاب حسابرس با کیفیت پایین، امکان خرید اظهار نظر و قیمت گذاری کمتر از واقع خدمات حسابرسی در تغییر حسابرس وجود دارد. همچنین نگرانی از این‌که ممکن است حسابرسان به منظور حفظ یا جذب صاحبکاران جدید استقلالشان را مصالحه کنند. نتیجه این فرضیه مغایر با نتایج به‌دست آمده در پژوهش لانگ و همکاران (۲۰۱۲) و با نتایج به‌دست آمده در پژوهش چوی و همکاران (۲۰۱۵) و جورج و همکاران (۲۰۰۹) سازگار است. سپس رابطه بین نوع تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام بررسی گردید. نتایج نشان داد بین نوع تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام رابطه معناداری وجود ندارد. یک احتمال برای توضیح فقدان تغییرات نقدینگی سهام نسبت به نوع تغییر حسابرس این است که سرمایه‌گذاران به نوع تغییر حسابرس و بررسی این موضوع که آیا تغییر حسابرس به صورت اجباری یا داوطلبانه بوده توجه نمی‌کنند. از سوی دیگر از زمان لازم الاجرا شدن قانون تغییر حسابرس (۹۰/۵/۸) به نظر می‌رسد به دلیل عدم افشای کافی در ارتباط با نوع تغییر حسابرس، سهامداران به اطلاعات کافی در زمینه دلایل تغییر حسابرس دسترسی ندارند و همچنین بازار شناخت کافی در این زمینه ندارد. نتیجه این فرضیه با نتایج به‌دست آمده در پژوهش چوی و همکاران (۲۰۱۵) سازگار نیست.

۱۰- پیشنهادهای پژوهش

۱-۱۰ پیشنهادهای کاربردی حاصل از نتایج پژوهش

۱. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های خود افزون بر متغیرهای مالی و غیرمالی به اطلاعات دیگری همچون تغییر حسابرس مستقل و دلایل این تغییر توجه نمایند.
۲. پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌ها استراتژی مزبور به تغییر حسابرس خود را با توجه به سطح بهینه نقدشوندگی شرکت اتخاذ نمایند.
۳. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود که تغییر مؤسسات حسابرسی به صورت دوره‌ای در شرکت‌ها انجام گیرد تا استقلال مؤسسات حسابرسی بیشتر حفظ گردد.
۴. با توجه به تأثیر منفی تغییر حسابرس بر نقدشوندگی سهام به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود نسبت به خرید سهام شرکت‌هایی که تغییر حسابرس دارند تأمل نموده و بررسی بیشتری در مورد اطلاعات آن‌ها انجام دهند.

۱۰-۲- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌شود پژوهشگران حسابداری و حسابرسی در پژوهش‌های آتی به موضوعات زیر توجه داشته باشند:

۱. تأثیر شکل‌های مختلف تغییر حسابرس (در سطح شریک و مؤسسه) را بر نقدشوندگی سهام مورد بررسی قرار دهند.
۲. مقایسه دوره‌های زمانی تغییر حسابرس مستقل و تأثیر آن بر نقدشوندگی سهام.
۳. با توجه به چند بعدی بودن معیارهای نقدشوندگی پیشنهاد می‌گردد پژوهش حاضر با سایر معیارهای نقدشوندگی نظیر اختلاف قیمت خرید و فروش سهام، نسبت آمیهد و... مورد بررسی قرار گیرد.
۴. در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شدند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، این موضوع در شرکت‌های پذیرفته شده در فرابورس نیز بررسی گردد.

۱۱. محدودیت پژوهش

در این پژوهش به منظور سنجش رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و نقدشوندگی سهام اثر برخی از متغیرهای احتمالی اثرگذار بر این رابطه کنترل شدند. لذا تأثیر سایر متغیرهای احتمالی مانند نوع صنعت، سابقه شرکت، ساختار مالکیت بر نتایج پژوهش، در استفاده از یافته‌های پژوهش باید در نظر گرفته شود.

۱۲. یادداشت‌ها

1. Robin
2. Chung & Elder
3. Balvers et al
4. DeAngelo
5. Fortin & Pittman
6. Beneish et al
7. Knechel et al
8. Shu
9. Smith
10. Wells & Loudder
11. Whisenant et al
12. Sankaraguruswamy & Whisenant
13. Mara cameran et al
14. Beattie & Fearnley
15. Cajec
16. Hariss
17. Eichenseher et al

18. Glosten & Milgrom
19. Healy et al
20. Leuz
21. Leuz & Verrecchia
22. Amihud & Mendelson
23. Lang et al
24. Mayhew et al
25. Blouin et al
26. Kohlbeck et al
27. Ruiz Barbadillo et al
28. Fan & Wong
29. Georg et al
30. Fang et al
31. Zhang
32. Choi et al
33. Lang et al
34. Salavi
35. Ebimobwei & Keretu
36. Numata & Takeda
37. Gopalan et al
38. Chena et al
39. Kim & Yi

منابع

۱. آذر، عادل و مؤمنی، منصور. (۱۳۹۱). آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ شانزدهم.
۲. احمدزاده، طه. (۱۳۹۵). چرخش اجباری حسابرس. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۱۶ (۱)؛ ۱۷-۴۰.
۳. بادآور نهندی، یونس، زینالی، مهدی و ملکی، اژدر. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، ۴ (۵)؛ ۸۹-۹۸.
۴. بنی‌مهد، بهمن، مرادزاده‌فر، مهدی و زینالی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهارنظر حسابرسی. مجله دانش حسابداری، ۴ (۱۴)؛ ۹۱-۱۰۸.
۵. جعفری، علی، جعفری، همت، حسینی، محمد و رسائیان، امیر. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر چرخش حسابرسان بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۳ (۵۱)؛ ۱۲۷-۱۴۵.
۶. حساس‌یگانه، یحیی، بیارزیده، فرخ، تقوی‌فرد، محدثقی و فرهنگ سیدآبادی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر گردش اجباری مؤسسه‌های حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی و رقابت در بازار حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۳ (۳)؛ ۳۳۳-۳۵۲.

۷. حیدری، مهدی. (۱۳۹۳). رابطه تجدید ارائه صورت‌های مالی با تغییر حسابداری مستقل. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳ (۱۲): ۱۹۷-۲۱۵.
۸. خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۷). روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی. تهران: انتشارات بازتاب، چاپ چهارم.
۹. رحیمیان، نظام‌الدین و جان‌فدا، رضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابداری بر کیفیت حسابداری. مجله حسابداری، ۱ (۱): ۶۷-۸۹.
۱۰. رضازاده، جواد و زارعی‌مروج، کمال. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تغییر حسابداری در شرکت‌های ایرانی. مطالعات حسابداری و حسابداری، ۲۰: ۵۹-۱۰۵.
۱۱. عزیزخانی، مسعود، داغانی، رضا و احمدیان، مژگان. (۱۳۹۵). تأثیر سیاست چرخش اجباری حسابداری بر حق‌الزحمه حسابداری، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری، ۱۶ (۶۴): ۴۳-۶۲.
۱۲. کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۹). پیامدهای تعویض حسابداری. مجله حسابداری، ۲۴ (۲۱۸): ۵۸-۶۳.
۱۳. مهدوی، غلامحسین و ابراهیمی، شهلا. (۱۳۸۹). تغییر حسابداری: چراغ قرمز یا سبز؟ حسابداری، ۴۹: ۱۱۳-۱۲۱.
۱۴. مهدوی، غلامحسین و محمدی، سامان. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر تغییر حسابداری مستقل بر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۳ (۱۲): ۲۳-۴۹.
۱۵. وکیلی‌فرد، حمیدرضا و محمدی، سامان. (۱۳۹۴). تغییر حسابداری و نوع گزارش حسابداری. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۷ (۲۵): ۳۳-۴۸.

1. Amihud, Y., & Mendelson, H., (1986). Asset pricing and the bid-ask spread. *Journal of Financial Economics*, 17(2), 223-249.
2. Balvers, R. J., McDonald, B., & Miller, R. E. (1988). Underpricing of new issues and the choice of auditor as a signal of investment banker reputation. *The Accounting Review*, 63(4), 605-622.
3. Beattie, V., & Fearnley, S. (1995). The importance of audit firm characteristics and the drivers of auditor change in UK listed companies. *Accounting and Business Research*, 25(100), 227-239.
4. Beattie, V., & Fearnley, S. (1998). Audit market competition: auditor changes and the impact of tendering. *British Accounting Review*, 30, 261-289.
5. Beneish, M.D., Hopkins, P.E., Jensen, I.P., & Martin, R.D., (2005). Do auditor resignations reduce uncertainty about the quality of firms financial reporting? *Journal of Accounting & Public Policy*, 24(5), 357-390.

6. Blouin, J., Grein, B.M., & Rountree, B.R., (2007). An analysis of forced auditor change: the case of former Arthur Anderson clients. *The Accounting Review*, 82(3), 621-650.
7. Cajec. (1992). Predatory pricing. Discussion Paper. Chartered Accountants Joint Ethics Committee.
8. Chung, K^۱ Elder, J2008) ^۱,"Corporate Governance and Liquidity" *Journal of Financial and Quantitative Analysis*.
9. Chena, C., Lung G., & Fu-Husing, C., (2009). Strategic auditor switches and financial distress prediction empirical findings from the TSE-listed firm, *Applied Financial Economics*. 19, 5972-.
10. Choi, S.C., Young-sik, A.G., & Lee, W.J., (2015). The impact of Mandatory Versus Voluntary auditor switches on Stock liquidity: Some Korean evidence, *The british Accounting Review*, 47, 100116-.
11. DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), 183e199.
12. Ebiomobowei, A., & Keretu, O.J., (2011). Mandatory Rotation of Auditors on Audit Quality, Costs and Independence in South Nigeria. *International Business Management*, 5(3): 166172-.
13. Eichenseher, J.W., Hagigi, M., & Shields, D., (1989). Market reaction to auditor changes by OTC companies. *Auditing: A Journal of Practice&Theory*, 9 (Fall), 2940-.
14. Fan, J.P.H., & Wong, T.J., (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging market? Evidence from East Asia. *Journal of Accounting Research*.
15. Fang, S.P., Hung, M., & Wang, Y.H., (2016). The importance of stock liquidity on option pricing. *International Review of Economics and finance*, 43, 457467-.
16. Fortin, S., & Pittman, J. A. (2007). The role of auditor choice in debt pricing in private firms. *Contemporary Accounting Research*, 24(3), 859e896.
17. George, R. A; Martin, D.R; and F.C. James (2009). Do markets react to require and voluntary disclosures associated with auditor realigmments? *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 25(1): 112-.
18. Glosten, L.R., & Milgrom, P.R., (1985). Bid, ask and transaction prices in a specialist market with heterogeneously informed traders. *Journal of financial Economics*, 14, pages 71100-.
19. Gopalan, R., Kadan, O., & Pevzner, M., (2010). Assesst Liquidity and Stock Liquidity. www.ssrn.com.
20. Hariss, K. (2012). Mandatory Audit Rotation: An International Investigation. Phd Dissertation, C.T. Bauer College of Businees, University of Houston.
21. Healy, P.M., Hutton. A.P., & Palepu. K.G., (1999). Stock performance and

- intermediation changes surrounding sustained increases in disclosure. *Contemporary Accounting Research*. 16(3), 485520-.
22. Kim, J.B., & Yi, C.H., (2006). Does auditor rotation improve audit quality in emerging markets? Korean evidence. Working paper, Concordia University and Hong Kong Polytechnic University.
 23. Knechel, W.R., Naiker, V., & Pacheko, G. (2007). Does auditor industry specialization matter? Evidence from market reaction to auditor switches. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 26(1), 1945-.
 24. Kohlbeck, M., Mayhew, B.W., Murphy, P., & Wilkins, M.S., (2008). Competition for Andersonos clients. *Contemporary Accounting Research*. 25(4), 10991136-.
 25. Lang, M., Lins, K.V., & Maffett, M., (2012). Transparency, liquidity, and valuation: international evidence on when transparency matters most. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 729774-.
 26. Leuz, C., (2003). IAS versus U.S. GAAP: Information asymmetry-based evidence from Germany's new market. *Journal of Accounting Research*, 41(3). 445472-.
 27. Leuz, C., & Verrecchia, R.E., (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of Accounting Research*, 38 (Supp), 91124-.
 28. Mara Cameran., Prencipe, A. and Marco Trombetta M., (2008), "Earnings Management, audit tenure and auditor changes: does mandatory auditor rotation improve audit quality?"
 29. Mayhew, B.W., & Pike, J.E., (2004). Does investor selection of auditor independence? *The Accounting Review*, 79(3), 797822-.
 30. Numata, S., & F. Takeda., (2010). Stock Market Reactions to Audit Failure in Japan: The Case of Kane Bo and ChuoAoyama, *International Journal of Accounting*, 45(2): 175199-.
 31. Pittman, J. A., & Fortin, S. (2004). Auditor choice and the cost of debt capital for newly public firms. *Journal of Accounting and Economics*, 37(1), 113e136.
 32. Robin, A. (2007). Ownership level, Ownership Concentration and Liquidity. *Journal of financial market*, 219248-.
 33. Ruiz-Barbadillo, E., Gomez-Aguilar, N., & Carrera, S., (2009). Does Mandatory audit firm rotation enhance auditor indepenence? Evidencefrom Spain. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28(1). 113135-.
 34. Salavei, K., (2011). Quality of Financial Information and Liquidity. *Journal of Accounting and Economics*, 2:49.
 35. Sankaraguruswamy, S., & Whisenant, J. S. (2004). An empirical analysis of voluntarily supplied client-auditor realignment reasons. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(1), 107e121.

36. SEC. (1988). Disclosure amendments to regulation s-K, form 8-K and schedule 14a regarding changes in accountants and potential opinion shopping situations. Financial Reporting Release NO. 31. Securities and Exchange Commission.
37. Shu, S.Z., (2000). Auditor resignation: Clientele effects and legal liability. *Journal of Accounting and Economics*, 29(2). 173205-.
38. Smith, D.B., (1988). An investigation of securities and exchange commission regulation of auditor change disclosure: the case of Accounting series release, *Journal of Accounting Research*, 26(1), 134145-.
39. Wells, D.W., & Loudder, M.L., (1997). The Market Effects of Auditor Resignations. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 16(1), 138144-.
40. Whisenant, J. S., Sankaraguruswamy, S., & Raghunandan, K. (2003). Market reactions to disclosure of reportable events. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22(1), 181e194.
41. Whisenant J. S., (2006). An analysis of the information content of auditor change announcement: Grant Thornton LLP Engagements. In: Robbert H, Colson. (Ed). *Investor Perceptions of Audit Firm parity, Grant Thornton Commentary Seies*, 2 (1): 561-.
42. Zhang, L., (2016). Local Equity market participation and stock liquidity. *The quarterly Review of Economics and Finance*. 10.1016/j.qref.2.16.02.005.

Archive of SID